

▲ از تاریخی که سیستم بانکی مبادرت به ارجاع امور دعاوی بانک به کارمندان خود کرده، رویه دادگاه‌ها در مورد حق‌الزحمه نمایندگان بانک‌ها متفاوت بوده است.

حق‌الزحمه نماینده حقوقی بانک‌ها

اکبر پیروفر

تقاضای نماینده دولت، خسارت حق‌الوکاله را مورد حکم قرار دهد.

نظر به اینکه نحوه استفاده و مصرف خسارت حق‌الوکاله مورد حکم مشخص نشده بود، قانونگذار در سال ۱۳۴۴ طرز استفاده را مشخص می‌کند، به این ترتیب که سی درصد حق‌الوکاله مورد حکم را حق نماینده قضایی ذی‌مدخل و بیست درصد آنرا حق کارمندانی که در پیشرفت دادرسی موثر شناخته بشوند،

دارند.

این مصوبه نشان می‌دهد که در دعاوی مربوط به دولت، نماینده دولت مداخله داشته است و چون سمت نماینده مذکور وکیل دعاوی نبوده، برای رفع شبهه که حق‌الوکاله خاص وکیل دعاوی است و وقتی که در دعوی نماینده دولت مداخله داشته، دادگاه نمی‌توانسته خسارت حق‌الوکاله را مورد حکم قرار دهد، قانونگذار دادگاه را مکلف کرده است که به

سابقه نمایندگی قضایی

برطبق تبصره ۳۰ قانون بودجه سال ۱۳۳۹ مقرر شده است: "در دعاوی که دولت محکوم‌له واقع می‌شود، حق مطالبه خسارت حق‌الوکاله را مطابق آیین نامه قانون وکالت از طرف دعوی دارد. دادگاه‌ها مکلفند این حق را به تقاضای نماینده دولت با صدور حکم اعلام

می‌شناسد.

اصطلاح "نماینده قضایی" از این تاریخ وارد فرهنگ قضایی یا اداری می‌شود و عبارتست از شخص حقیقی که از طرف وزارتخانه مربوط مجاز به اقدام باشد.

در سال ۱۳۴۸ بر طبق تبصره ۱۸ الحاقی به قانون متمم بودجه سال ۱۳۴۷ دو موضوع به شرح ذیل به تصویب می‌رسد:

۱- وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی و وابسته به دولت می‌توانند علاوه بر استفاده از وکلای دادگستری برای دفاع و تعقیب دعاوی مربوط، از کارمندان رسمی خود با داشتن یکی از شرایط ذیل به عنوان نماینده قضایی استفاده نمایند: دارا بودن لیسانس در رشته حقوق با در سال سابقه کارآموزی در دفاتر حقوقی وزارتخانه‌ها و یا موسسات وابسته به دولت- داشتن حداقل پنج سال سابقه تعقیب دعاوی دولت در مراجع قضایی یا داشتن دو سال سابقه قضاوت و یا وکالت دادگستری به شرط عدم محرومیت از اشتغال به قضاوت یا وکالت. تشخیص احراز شرایط فوق‌الذکر با وزارتخانه یا موسسه مربوط خواهد بود.

۲- ماده چهار قانون اصلاح بعضی از مواد آیین دادرسی مدنی و الحاق موادی به آن، مصوب بیستم آبان ماه ۱۳۴۷ لغو می‌شود. قسمتی از ماده ۴ چنین بوده: «در دادگاه‌های بخش و شهرستان متداعین می‌توانند شخصا یا به توسط وکیل دادرسی کنند، ولی در دادگاه‌های استان و دیوان کشور برای تقدیم دادخواست و دادرسی باید وکیل داشته باشند.»

عدم شمول مقررات مذکور در بخش قبل به سیستم بانکی کشور

مصوبات سال‌های ۱۳۳۹ و ۱۳۴۴ و ۱۳۴۸ به دلایل ذیل شامل سیستم بانکی کشور نمی‌شود:

۱- مقررات یاد شده ناظر به دعاوی دولت می‌باشد نه بانک‌های کشور که در این باره اشاره به نظریات مشروحه خالی از فایده نیست.

رای هیأت عمومی دیوان عالی کشور (رای شماره ۱۳ - وحدت رویه/ الف ۲/۱۶) درباره صلاحیت دادگاه‌های مربوط به دعاوی مطروحه از طرف بانک استان زنجان و بانک

ملی ایران به این شرح: «بند یک ماده ۱۶ قانون آیین دادرسی مدنی که مقرر داشته دعاوی راجع به دولت خارج از صلاحیت دادگاه بخش است، اگرچه خواسته دعوی در حدود نصاب آن باشد، شامل بانک‌های ملی شده که اصولاً اعمال تجاری انجام داده و جنبه انتفاعی و تخصصی دارند و طرز اداره آنها برطبق قانون ملی شدن بانک‌ها، مصوب خرداد ۱۳۵۸ و لایحه قانونی اداره امور بانک‌ها، مصوب مهر ۱۳۵۸ و لایحه قانونی متمم لایحه قانونی اخیرالذکر، مصوب آذر ماه ۱۳۵۸ تعیین گردیده، نبوده و به دعاوی مربوط به آنها در دادگاه‌های حقوقی طبق اصول کلی رسیدگی می‌شود» (صفحه ۱۰ مجموعه قوانین سال ۱۳۶۱).

بعضی‌ها را عقیده بر این است که بانک‌های ملی شده شرکت دولتی تلقی می‌شوند. رای وحدت رویه ذیل که در مورد

○ در حال حاضر، بانک‌ها می‌توانند دعاوی مربوط به خود را توسط اداره حقوقی خود یا نمایندگان حقوقی فیصله دهند.

○ ماده واحده مصوب سال ۷۴ و ماده ۳۲ قانون آیین دادرسی مدنی، مصوب ۱۳۷۹ در مورد حق الزحمه نمایندگان حقوقی بانک‌ها سکوت کرده‌اند.

هزینه دادرسی مربوط به دعوی مطروحه از طرف شرکت‌های برق منطقه‌ای (که از مصادیق بارز شرکت‌های دولتی هستند) صادر شده است، موضوع را مشخص می‌کند: «نظر به اینکه طبق مقررات آیین دادرسی مدنی، عموم اشخاص - اعم از حقیقی و حقوقی - به طور کلی موظف به پرداخت هزینه دادرسی هستند و معافیت از تأدیه هزینه دادرسی امری است استثنایی و مخالف با اصل و قاعده کلی مذکور است و نظر به اینکه در موارد اختلاف اصل بایستی به قدر متیقن از مؤدای مواد اکتفا شود و از تفسیر موسع که مستلزم شمول حکم به غیر موارد منصوص است، خودداری گردد، بنابراین قسمت اخیر ماده ۶۹۰ آیین دادرسی

مدنی انحصاراً ناظر به موردی است که دستگاه‌های دولتی به اعتبار شخصیت حقوقی دولت طرح دعوی کنند و شرکت‌های وابسته به دولت که دارای شخصیت حقوقی مستقل بوده و بودجه‌ای جدا از بودجه عمومی دارند، برطبق قاعده کلی موظف به پرداخت هزینه دادرسی هستند» (مجموعه قوانین سال ۱۳۶۱ - صفحه ۸).

توضیح اینکه طبق قسمت اخیر ماده ۶۹۰ آیین دادرسی مدنی سابق، دولت و همچنین دادستان از تأدیه هزینه دادرسی معاف است.

نظریه شماره ۷/۱۸۰۹ مورخ ۶۲/۵/۳ اداره حقوقی قوه قضایی چنین است: «بند الف تبصره ۱۸ قانون الحاق دو تبصره به متمم قانون بودجه سال ۱۳۴۷ به وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی و وابسته به دولت اجازه استفاده از کارمندان رسمی خود را به عنوان نماینده قضایی داده است و موسسه دولتی به موجب ماده ۳ قانون محاسبات عمومی واحد سازمانی مشخصی است که به موجب قانون ایجاد و به وسیله دولت اداره می‌شود و اعمال حاکمیت می‌نماید و بانک چنین وضعی ندارد تا عنوان دولتی یا وابسته به آن قابل صدق باشد. مندرجات لایحه قانونی متمم لایحه قانونی اداره امور بانک‌ها، مصوب سال ۱۳۵۸ نیز حکایتی ندارد که بانک‌های استان از موسسات دولتی یا وابسته به دولت شده است. ضمناً مفاد رای وحدت رویه شماره ۱۳ ردیف ۲/۶۱ مورخ ۶۱/۳/۲۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور نیز مؤید همین نظر است. بنا به مراتب مذکور، دولت شامل وزارتخانه‌ها و سازمان‌هایی است که با بودجه دولت اداره می‌شوند و اعمال حاکمیت می‌نمایند و شامل بانک‌های ملی شده که به امور بازرگانی اشتغال داشته و جنبه انتفاعی دارند، نمی‌شود، لذا دعاوی بانک‌ها دولتی محسوب نیست و از شمول مقررات فوق‌الذکر خارج است.»

در جمع بندی این بخش به این نتیجه می‌رسیم که مقررات یاده شده خاص دولت است و شامل سیستم بانکی کشور نمی‌شود و اصطلاح نماینده قضایی نیز به نماینده دولت اطلاق می‌شود.

در مورد شکل حقوقی بانک‌های ملی شده به نوشته این جانب در کتاب «بانک و

بانکداری در ایران» مراجعه فرمایید.

مقررات ناظر به سیستم بانکی کشور

از تاریخی که سیستم بانکی کشور مبادرت به ارجاع امور دعاوی بانک به کارمندان خود کرد، رویه دادگاهها در مورد حق الزحمه نمایندگان بانکها متفاوت بود، حتی در پاره‌ای موارد، دادگاهها نماینده بانک را فاقد سمت در دعوی مطروحه تلقی کرده و دادخواست تقدیمی را رد می‌کردند. مشکلاتی که سیستم بانکی با آن مواجه بود، موجب مبادرت به اقدام‌هایی از طرف بعضی از بانکها گردید. بانک ملت در تاریخ ۶۸/۱۷/۱۷ موضوع را با قوه قضاییه مطرح کرد. بانک صادرات ایران نیز در تاریخ ۷۱/۲/۲۲ موضوع را با بانک مرکزی مطرح کرد و درخواست تصویب ماده واحده‌ای را نمود. مساله در مراجع ذیربط عکس‌العمل متفاوتی داشت. معاون حقوقی و امور مجلس وزارت دادگستری ضمن نامه مورخ ۷۲/۴/۱۲ به عنوان ریاست کل بانک مرکزی، معتقد بود که بانکها می‌توانند از نمایندگان خود استفاده کنند و نیازی به تهیه و تصویب ماده واحده نیست. در این میان، به نظریه اداره حقوقی قوه قضاییه در سال ۱۳۶۹ برمی‌خوریم که در پاسخ استعلام نظر یکی از بانکها چنین اظهار نظر کرده است: «با استنباط از سوابق، بانکها در طرح و تعقیب دعوی و یا دفاع از آن در دادگاه ملزم به انتخاب وکیل رسمی دادگستری نیستند و می‌توانند از نمایندگان خود استفاده نمایند.»

موضوع قابل دقت در این اظهار نظر، بکار بدن عبارت "نمایندگان خود" به جای "نماینده قضایی" است که قبلاً بانکها را از شمول تبصره ۱۸ (نماینده قضایی) خارج دانسته بود. در نهایت، در سال ۱۳۷۴ ماده واحده با این مضمون به تصویب قوه مقننه رسید: «ماده واحده: به موجب این قانون، بنیاد شهید انقلاب اسلامی، بنیاد پانزده خرداد، کمیته امداد امام خمینی (ره)، بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی، ستاد رسیدگی به امور آزادگان، شهرداری‌ها و بانکها و دانشگاه‌های غیر دولتی

می‌توانند نماینده حقوقی خود را جهت طرح دعوی یا دفاع از دعاوی مربوط در مراجع قضایی معرفی نمایند.

تبصره: بنیاد شهید انقلاب اسلامی و کمیته امداد امام خمینی (ره) از پرداخت هزینه دادرسی معاف خواهند بود.»

در باب دوم قانون آیین دادرسی مدنی جدید و در سر فصل «وکالت در دعاوی» ضمن ماده ۳۲ آمده است: «وزارتخانه‌ها، موسسات دولتی و وابسته به دولت، شرکت‌های دولتی، نهادهای انقلاب اسلامی و موسسات عمومی غیردولتی، شهرداری‌ها و بانکها می‌توانند علاوه بر استفاده از وکلای

○ حق الوکاله پیش‌بینی شده در قوانین موضوعه، مخصوص وکلای دعاوی است و اربساطی با نماینده حقوقی بانکها ندارد.

○ برای برقراری حق الزحمه جهت نمایندگان حقوقی بانکها و در نتیجه، جـ... تخصصی‌کننده‌های حقوقی قضایی به سوی بانکها، لازم است ماده واحده مصوب سال ۱۳۷۴ و ماده ۳۲ آیین دادرسی تکمیل شوند.

دادگستری برای طرح هر گونه دعوا یا دفاع و تعقیب دعوی مربوط، از اداره حقوقی خود یا کارمندان رسمی خود با داشتن یکی از شرایط زیر به عنوان "نماینده حقوقی" استفاده نمایند:

- ۱- دارا بودن لیسانس در رشته حقوق یا دو سال سابقه کارآموزی در دفاتر حقوقی دستگاه‌های مربوط.
 - ۲- دو سال سابقه کار قضایی یا وکالت به شرط عدم محرومیت از اشتغال به مشاغل قضاوت یا وکالت.
- تشخیص احراز شرایط یاد شده به عهده بالاترین مقام اجرایی سازمان یا قائم مقام قانونی وی خواهد بود. ارایه معرفی نامه نمایندگی حقوقی به مراجع قضایی الزامی است.»
- در حال حاضر، مجوزهای قانونی که به

بانکها اجازه می‌دهد تا دعاوی مربوط به خود را توسط اداره حقوقی خود یا نمایندگان حقوقی فیصله دهند، یکی ماده واحده مصوب سال ۱۳۷۴ و دیگری ماده ۳۲ قانون آیین دادرسی مدنی، مصوب سال ۱۳۷۹ می‌باشد.

سکوت قوانین درباره حق الزحمه نمایندگان حقوقی بانکها

هر دو قانون ذکر شده در فوق در مورد حق الزحمه (یا هر عنوان دیگر) نمایندگان حقوقی بانکها ساکت است. برخلاف مقررات مربوط به نمایندگان قضایی دولت که قبلاً به آنها اشاره شد، قوانین اخیر الذکر از یک طرف دادگاهها را مکلف کرده است که خسارت حق الوکاله را مورد حکم قرار بدهند و از طرف دیگر، طرز استفاده از آن را مشخص کرده است. با توضیحاتی هم که قبلاً داده شد، مقررات دعاوی دولت شامل سیستم بانکی کشور نمی‌شود و نتیجه این خواهد بود که محکوم کردن محکوم علیه به پرداخت وجوهی که مبنای مجوز قانونی نداشته باشد، به عنوان خسارت حق الوکاله یا هر عنوان دیگر امکان ندارد و گهگاه هم که آرایبی در این مورد صادر شده است، ملاک نمی‌تواند باشد.

برطبق ماده ۵۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی، خسارت دادرسی عبارتست از هزینه دادرسی و حق الوکاله وکیل و هزینه‌های دیگر که به طور مستقیم مربوط به دادرسی و برای اثبات دعوا یا دفاع لازم بوده است، از قبیل حق الزحمه کارشناسی و هزینه تحقیقات محلی. در ماده ۵۲۰ هم آمده است که درخصوص مطالبه خسارت وارده، خواهان باید این جهت را ثابت نماید که زیان وارده بلاواسطه ناشی از عدم انجام تعهد یا تأخیر آن و یا عدم تسلیم خواسته بوده است. در غیر این صورت، دادگاه دعوی مطالبه خسارت را رد خواهد کرد.

در وضعیتی که مساله حق الزحمه نماینده حقوقی بانک در قوانین سکوت است، در فرض مداخله نماینده حقوقی در دعوی، و در فرض حاکمیت بانک، ادعای زیان وارده به بانک ناشی از عدم انجام تعهد مشتری که توسط نماینده حقوقی بانک مطرح بشود، در صورتی هم که ثابت بشود، حکم جبران زیان به نفع بانک صادر خواهد شد که در این صورت مورد حکم اولا متعلق حق بانک

خواهد بود، یعنی زیان بانک را جبران خواهد نمود؛ ثانياً، حق الزحمه نماینده حقوقی در قالب ضرر زیان بانک نمی‌گنجد.

تبصره ۱ الحاقی به ماده ۱۵ قانون عملیات بانکی بدون ربا

در سال ۱۳۷۶ دو تبصره به ماده ۱۵ قانون عملیات بانکی بدون ربا الحاق شده است که تبصره ۱ آن چنین است: «کلیه وجوه تسهیلات اعطایی که بانکها در اجرای قانون به اشخاص حقیقی و حقوقی پرداخت نموده یا می‌نمایند و برابر قرارداد تنظیمی مقرر شده باشد که اشخاص مذکور در سررسید معینی وجوه تسهیلات دریافتی به انضمام سود و خسارت و هزینه‌های ثبتی و اجرایی دادرسی و حق الوکاله را بپردازند، در صورت عدم پرداخت و اعلام بانک بستانکار، قابل مطالبه و وصول است و کلیه مراجع قضایی و دوائر اجرای ثبت و دفاتر اسناد رسمی مکلفند براساس مفاد اسناد و قراردادهای تنظیمی نسبت به صدور حکم و اجرائیه و وصول مطالبات بانک طبق مقررات این قانون اقدام نمایند.»

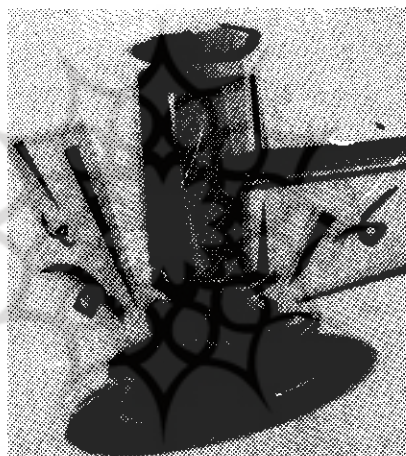
اقلامی که در این تبصره به عنوان متفرعات طلب بانک و بدهی مشتری ذکر شده است، هر گاه منظور از خسارت، تأخیر تأدیه باشد- که چنین هم می‌باشد- نرخ خسارت تأخیر تأدیه معمولاً در قراردادها نوشته می‌شود و سایر اقلام هم تعرفه رسمی و قانونی دارند. بحث روی خسارت و حق الوکاله وجود دارد که منظور از خسارت، دیر کرد می‌باشد و غیر از آن، خسارت دیگر که نیاز به اثبات دارد (ماده ۵۲۰ آیین دادرسی) زیان بانک خواهد بود که اگر هم مورد حکم قرار گرفت، متعلق حق بانک خواهد بود. حق الوکاله‌ای هم که در تبصره ۱ مذکور و همچنین ماده ۵۱۹ آیین دادرسی مدنی آمده، حق الوکاله وکیل است و مراد از وکیل هم وکیل دعاری می‌باشد که در اجرای مقررات مربوط، به این شغل و سمت دست می‌یابد.

سمت نماینده بانک در دعوی

در باره دعاری مربوط به دولت تبصره ۱۸ الحاقی صراحت دارد به اینکه نماینده قضایی از کارمندان رسمی باید باشد. ماده واحد مصوب سال ۱۳۷۴ هم تصریح به نماینده حقوقی دارد. در ماده ۳۲ قانون آیین دادرسی مدنی هم به

صراحت گفته شده است که بانکها هم می‌توانند از کارمندان رسمی خود استفاده نمایند. واضح است که یک شخص در یک زمان نمی‌تواند هم کارمند رسمی سازمان دولتی باشد و هم وکیل دعاری و با حق استفاده از پروانه وکالت، یعنی این دو سمت مانع الجمع می‌باشند و مغایر مقررات وکالت دادگستری.

از طرف دیگر، هم ماده واحد هم ماده ۳۲ گفته است که بانک می‌بایست نماینده حقوقی خود را به مرجع قضایی معرفی کند، یعنی ارایه معرفی نامه الزامی است، در صورتی که در رابطه بین موکل و وکیل دعاری، وکالت نامه مخصوص وکلای دادگستری به مرجع قضایی ارایه می‌شود.



از دقت و توجه به طرز نگارش ماده ۳۲ و جایگاه آن در آیین دادرسی مدنی، چنین نتیجه گرفته می‌شود که باب دوم در وکالت در دعاری است. ابتدا ماده ۳۱ می‌گوید: هر یک از متداعیین می‌توانند برای خود حداکثر تا دو نفر وکیل انتخاب و معرفی نمایند.

ماده ۳۲ وارد دعاری تعدادی از سازمانها از جمله بانکها می‌شود و اشاره به نمایندگی حقوقی می‌کند که الزاماً می‌بایست از بین کارمندان رسمی موسسه باشند و سپس از ماده ۳۳ به بعد وارد مسایل مربوط به وکیل می‌شود که منظور وکیل دعاری است. چون قانونگذار متوجه بوده که کارمند رسمی سازمانهای مذکور در ماده ۳۲ در آن واحد وکیل دادگستری نمی‌تواند باشد، به آنها نماینده حقوقی گفته و شرایط را هم ذکر کرده است. سابقه وکالت هم مسبوق به قبل از تصدی

اداری در سازمان می‌باشد، یعنی اشخاصی که سابقه دو سال کار قضایی یا وکالت داشته باشند و کارمند رسمی هم باشند، می‌توانند به عنوان نماینده حقوقی معرفی شوند. البته نماینده‌ای که سابقه کار وکالتی داشته باشد و مشخصاً در بانک که سرمایه تمام بانکها متعلق به دولت می‌باشد، استخدام شود، قطعاً از پروانه وکالت نمی‌تواند استفاده کند و به عبارت دیگر، به عنوان وکیل دعاری نمی‌تواند نماینده حقوقی بانک باشد. پس در شرایطی که نماینده حقوقی بانک وکیل دعاری نیست، مرجع قضایی نمی‌تواند در مواردی که بانک محکوم له واقع می‌شود، وجهی را تحت عنوان حق الوکاله و بر مبنای مقررات خاص وکلای دادگستری و به نفع نماینده حقوقی بانک مورد حکم قرار دهد.

جمع بندی و نتیجه

- ۱- مقررات یاد شده در بخش اول این مقاله قابل تسری به بانکها نیست.
- ۲- نمایندگی حقوقی بانکها جدا و متمایز از وکالت دادگستری است و نماینده حقوقی بانک در عین حال نمی‌تواند وکیل دعاری باشد و از پروانه وکالت خود استفاده کند.
- ۳- حق الوکاله پیش‌بینی شده در قوانین موضوعه، مخصوص وکلای دعاری است و ارتباطی با نماینده حقوقی بانکها ندارد.
- ۴- مرجع قضایی نمی‌تواند بدون مجوز قانونی محکوم علیه را به پرداخت وجهی به غیر از آن چه در قوانین تصریح شده است، محکوم کند.
- ۵- منظور از حق الوکاله پیش‌بینی شده در تبصره ۱ ماده ۱۵ قانون عملیات بانکی بدون ربا حق الوکاله وکلای دادگستری می‌باشد که رسمی است و مورد قبول مراجع قانونی بوده و می‌تواند نسبت به وصول و ایصال آن اقدام نمایند.
- ۶- از نظر قوانین اداره امور بانکها، مصوب سال ۱۳۵۸ مراجع تصمیم گیرنده در باره نظام بانکی کشور، شورای عالی و مجمع عمومی و هیأت مدیره بانکها می‌باشند و مراجع مذکور اختیار تصمیم‌گیری در اموری را که نیاز به قانون دارد، ندارند.
- ۷- ممکن است گفته شود که اعطای نمایندگی به یک شخص با ضوابط قانونی، با

وکالت پیش‌بینی شده در قانون مدنی منطبق می‌باشد، یعنی شأن حقوقی نماینده در واقع وکیل و وکالت است، یعنی وکیل شخصی - اعم از حقیقی و یا حقوقی - که به او نمایندگی داده است و چون موضوع مورد بحث و بررسی، حق الزحمه نماینده حقوقی بانک است، پس برطبق قانون مدنی وکالت ممکن است مجانی باشد یا با اجرت. بحث نمایندگی مجانی مطرح نیست، چون منظور از این نوشته به دست آوردن مزایایی برای نمایندگی حقوقی بانک‌هاست. پس در وکالت یا نمایندگی با اجرت، این مسأله مطرح می‌شود که این اجرت از چه منعی می‌باید پرداخت گردد؟

۸- استفاده از ماده ۱۰ قانون مدنی هم توجیه حقوقی ندارد، زیرا با وجود پیش‌بینی متفرعات بدهی مشتری از جمله حق‌الوکاله (منظور حق‌الوکاله وکلای دعاوی است) در تبصره ۱ الحاقی به ماده ۱۵ قانون عملیات بانکی بدون ربا نمی‌توان هزینه‌ای را برای مطالبات بانک و متفرعات بدهی مشتری با وجود تبصره ۱ و وجود حکم صریح و خاص به موجب قرارداد برخلاف مصرحات تبصره ۱ پادار و به مشتری تحمیل نمود.

۹- تصویب ماده واحده در سال ۱۳۷۴ خود دلیل آشکاری است بر اینکه مصوبات و مقررات مربوط به نمایندگان قضایی سازمان‌های نام برده در این مقررات شامل نمایندگان حقوقی بانک‌ها نبوده که برای حل مشکل سیستم بانکی، قانون راهگشا به تصویب رسیده است.

راه حل و پیشنهاد

یکی از راه‌های جذب تحصیلکرده‌های حقوق قضایی به بانک، برقراری حق الزحمه به نمایندگان حقوقی بانک می‌باشد که با توجه به تورم موجود در جامعه، می‌تواند دست کم قسمتی از هزینه‌های زندگی این قشر تحصیلکرده را جویگو باشد و چون اعتقاد نویسنده براینست که این حق الزحمه می‌بایست مأخذ و مبنا و اساس قانونی داشته باشد و در حال حاضر به شرحی که گفته شد، چنین قانونی وجود ندارد، لذا راه مناسب و صحیح همانا تکمیل ماده واحده مصوب سال ۱۳۷۴ و ماده ۳۲ قانون آیین دادرسی مدنی است که به موجب آن دادگاه‌ها مکلف باشند در مواردی

که بانک محکوم له واقع می‌شود، حق الزحمه نماینده حقوقی بانک را هم مورد حکم قرار دهند. البته میزان و نحوه استفاده یا تقسیم آن می‌بایست در قانونی که به تصویب می‌رسد، پیش‌بینی بشود و ورود در جزئیات کار فعلا از حوصله این بحث خارج است و در مرحله عمل می‌توان ارایه طرح نمود.

اینکه مقرر شود حق الزحمه در مواردی که بانک محکوم له واقع می‌شود، قابل پرداخت به نماینده حقوقی خواهد بود، انگیزه‌ای می‌شود برای نماینده حقوقی که چه در دعوی اقامه شده از طرف بانک و چه در دعوی اقامه شده علیه بانک، مساعی و کوشش‌های لازم را برای حاکمیت بانک بکار ببرد.

اما یکی از موارد دوگانگی و تبعیض، حق الزحمه کارشناسان حقوقی در اجرای قانون



حمایت قضایی از کارکنان دولت و پرسنل نیروهای مسلح، مصوب سال ۱۳۷۶ می‌باشد که به موجب ماده ۱۳ آیین‌نامه اجرایی قانون مذکور، مصوب سال ۱۳۷۹ مقرر گردیده است برای جبران زحمات آن دسته از کارشناسان حقوقی که در اجرای مقررات این آیین‌نامه خدمات حقوقی ارایه می‌کنند، حداکثر چهل درصد فوق‌العاده جذب بیشتر از فوق‌العاده جذب کارشناسان همان دستگاه، با تشخیص بالاترین مقام آن دستگاه و با رعایت مقررات مربوط پرداخت نمایند. همچنین، دستگاه‌های یادشده می‌توانند در قالب مقررات استخدامی مربوط و جوهی را بر وفق مقررات به کارشناسان مزبور پرداخت کنند.

علاوه بر موارد فوق «پاداش جبران زحمات» براساس دستورالعملی که به تصویب

شورای حقوق و دستمزد می‌رسد، از محل اعتبارات خارج از شمول قانون محاسبات عمومی در مورد عملکرد برجسته کارشناسان حقوقی موضوع این آیین‌نامه پرداخت خواهد گردید، این در حالی است که مصوبه معتبر قانونی برای جبران زحمات نمایندگان حقوقی بانک‌ها در مراجع قضایی وجود ندارد.

به هر حال، این جانب برای پیشبرد هدف و منظور و فکر خودم در زمینه تثبیت حقوق نمایندگان حقوقی بانک‌ها و بدون اینکه وجهی من‌الوجه ذینفع در موضوع باشم و به منظور رفع تبعیض و دوگانگی اقدامات ذیل را انجام داده‌ام:

۱- در تاریخ ۷۲/۷/۷۲ طرح موضوع نمایندگی حقوقی بانک‌ها با ریاست کل وقت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و پیشنهاد استفاده از اختیار تفویضی بر حسب اساسنامه بانک‌ها و قبل از تصویب ماده واحده.

۲- پیشنهاد به دفتر ارتباطات مردمی نهاد ریاست جمهوری ضمن نامه مورخ ۷۶/۷/۱۶ (قبض پست سفارشی ۲۶۶۲۲-۱۱۳ مورخ ۷۶/۷/۲۱ دفتر پست استاد نجات‌اللهی) مبنی بر الحاقی به ماده واحده یا قانون مصوب سال ۱۳۴۴ در جهت برقراری حق الزحمه نمایندگان حقوقی بانک‌ها.

۳- پیشنهاد به معاونت امور بانکی و بیمه وزارت امور اقتصادی و دارایی در تاریخ ۷۶/۱۲/۱۸ (شماره ثبت ۴۶۹۰۷ در دبیرخانه وزارت) مبنی برالحاق یک تبصره به ماده واحده درباره حق الزحمه نمایندگان حقوقی بانک‌ها.

۴- اعلام موضوع به مرکز بررسی‌های استراتژیک نهاد ریاست جمهوری، واحد اقتصادی در تاریخ ۷۹/۳/۷ و درخواست اقدام درباره حق الزحمه نمایندگان حقوقی بانک‌ها.

۵- الهامیه، طرح موضوع در همین مجله به امید اینکه مسوولان امر را تشویق و ترغیب به اقدام لازم بنماید.

البته هر بانکی هم هرگاه به نحوی موجبات جبران زحمات و فعالیت‌های نمایندگان حقوقی خود را فراهم می‌نماید، موضوعی است جدا و مستقل از بحث حقوقی که در این مقاله مطرح شده است.